

یادداشت:

۱- من خود شخصاً شاهد جریان‌های مشابه این واقعه بودم با این تفاوت که در همان تاریخ مرحوم دکتر ولیان تقریظ از پیش نوشته شده‌ای را همراه با عکس ۶x۴ نظامی خویش، در حالی که لباس شخصی به تن داشت، به دفتر مجله تهران مصور آورد و تقریظ در صفحات پاسخ به نامه‌های خوانندگان مجله یا در صفحاتی که به چاپ دنباله مطالب اختصاص داشت به چاپ رسید.

جلال هتینی

رامین کامران

نظرات و مناظرات (مجموعه مقالات)

نشر باران، سوئد، ۱۹۹۶، صفحات: ۲۴۷، بها (؟)

کتاب مشتمل است بر شش مقاله و هفده نقد کتاب و سه مصاحبه بدین شرح:

مقاله‌ها: بحث بر سر آزادی بیان است، مشکل رسوبات ایدئولوژیک، ماکیاوول و ماکیاولیسم، جمهوری اسلامی بزرگترین سوء تفاهم تاریخ معاصر ایران، منافع ملی سوء تفاهمی که باید برطرف شود، تحول نقش سرآمدان مذهبی.

نقد کتاب: سیری در دل انقلاب (درباره کتاب در حضر: نوشته مهشید امیرشاهی)، پس این مملکت روح داشت (روح ایران: آلبین میشل)، تشیع به روایت یاشار (اسلام شیعی: یان ریشار)، پی ریزی نقد نوین در شعر فارسی (هفتاد سخن، جلد اول، شعر و هنر: پرویز خانلری)، خانلری به عنوان آموزگار زبان (هفتاد سخن: جلد دوم: فرهنگ و اجتماع)، از این برزخ راهی به بیرون نیست (نگاه زخم خورده: داریوش شایگان)، بار یسمان ایلات نباید به چاه رفت (شورش عشایری در فارس ۱۳۰۷-۱۳۰۹: کاوه بیات)، بررسی کتاب کاخ تنهایی خیال انگیز ملکه ایران (ثریا اسفندیاری بختیاری با همکاری لویی ولانتین)، کتابی بحث انگیز از نویسنده‌ای بخت انگیز (گذار از تاریخ: داریوش همایون)، انطباق و جذب افکار و تکنیک‌های غربی در ایران (ایران و مغرب زمین: یان ریشار)، آیا این انقلاب اجتناب ناپذیر بود؟ (سرچشمه‌های انقلاب ایران: فیروزه نهاوندی)، استقلال دانشگاه (گزارش یک زندگی: دکتر علی اکبر سیاسی)، نگاهی به اسلام شناسی علی شریعتی (اسلام شناسی: علی شریعتی) زبان کودکی زبان شعر (صدای مرغ تنها: مهشید امیرشاهی)، عاقبت بهار پراگ (مذاکرات سری بین کرملین و حزب کمونیست فرانسه)،

انجمن مقدس، نویسنده ای زیر فشار محیط آخوندی (درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران: سید جواد طباطبائی)، شناخت تاریخی از دیدگاه زمیل (مسائل فلسفه تاریخ: گئورگ زمیل)، هر کتابی به یک بار خواندن نمی ارزد (امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار: اکبر هاشمی رفسنجانی).

مصاحبه ها: مصاحبه با ژان بشلر: «دموکراسی چه هست و چه نیست»، گفتگویی با ریمون بودون: «روزگارا ایدئولوژیها به سر نرسیده است»، مصاحبه با پی یرتیه: «آزادی دین تنها در دولت غیر دینی امکان پذیر است».

خواننده در هر یک از مقاله ها و نقدها و مصاحبه های کتاب نکته های قابل تأمل می یابد، و با آن که از نگارش هر یک از آنها مدت زمانی می گذرد، ولی گذشت زمان از اهمیت آنها نکاسته است و به اصطلاح «تقویم پارینه» ای نیست که دیگر به کار نیاید. رامین کامران آراء خود را در هر زمینه به روشنی، با صراحت و شجاعت مطرح ساخته و برخلاف بسیاری مطلقاً از «شعار دادن» پرهیز کرده است. او بی هرگونه تظاهری نگران ایران است. مقاله ها و نقدها و مصاحبه های او به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دور محور امروز و فردای ایران می گردد و بدین جهت بود که نوشتم آنها را پس از گذشت سالها باز می توان با تأمل خواند و نکاتی را از آنها آموخت. انتخاب کتابهایی که درباره آنها نقدی کوتاه یا بلند نوشته، نیز همه هشیارانه است.

بررسی اجمالی کتاب نظرات و مناظرات روشن می سازد که نویسنده به آزادی و دموکراسی. به معنای حقیقی آن معتقد است و از حکومتهای دینی و کمونیستی گریزان. ناگفته نماند که حتی اشاره ای به رؤوس مطالبی که در این کتاب آمده است در این مختصر نمی گنجد تا چه رسد به بحث تفصیلی آن. بدین جهت در این جا تنها به اشاره ای درباره دوسه مقاله و کتاب اکتفا می کند.

کامران در نخستین مقاله، کتاب سلمان رشدی و فتوای قتل او را مورد بحث قرار داده و از جمله به کسانی که کتاب را از این جهت فاقد ارزش می دانند که اثری ست صرفاً تخیلی، پاسخ می دهد که نقد ادبی با معیارهای مذهبی بی معناست. به کسانی که می گویند ضد اسلام است و بدین جهت چنین عکس العمل تندی درباره نویسنده اش صحیح بوده است، جواب می دهد سابقه این حرفها در تاریخ معاصر مملکت خودمان کم نیست و آن گاه توپ مرواری صادق هدایت و معراجنامه ذبیح بهروز را مثال می آورد که هیچ کدام پایه اسلام را سست نکرد. می نویسد مخالفان سلمان رشدی به یک موضوع مهم توجه نمی کنند که در جوامع غربی مفهوم «کفر» از بین رفته است، زیرا از چند قرن پیش در غرب اول علم

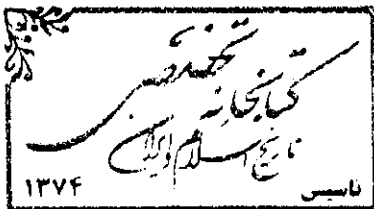
و بعد از آن سیاست و حکومت از قید مذهب آزاد شده است. صدور فتوی علیه سلمان رشدی تنها محدود کردن آزادی بیان نیست، بلکه «اعتبار دوباره بخشیدن به مفهوم «کفر» است، آن هم نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان...».

دو کتاب نویسنده سرشناس معاصر خانم مهشید امیرشاهی در «سیری در دل انقلاب» و «زبان کودکی، زبان شعر» مورد بحث قرار گرفته است. کامران کتاب در حضر را یکی از مهمترین رویدادهای ادب معاصر ایران می خواند «زیرا این اولین بار است که نویسنده ای ایرانی یک اتفاق تاریخی به این عظمت را با تمام ابعادش محور اساسی یک داستان فرار داده است»، او اضافه می کند که مهشید امیرشاهی به شهادت قصه های کوتاهی که تا به حال منتشر کرده است از یعقوب لیث غبار تا مه دره و گرد راه و صدای مرغ تنها خود را مقید دانسته است که برای هر زمینه و موضوع، سبکی در خور بیابد و به همین دلیل تا به حال داستان نمونه ای نداشته است که بتواند در معرفی او مورد استفاده قرار بگیرد.

در مقاله «از این برزخ راهی به بیرون نیست» کتابهای داریوش شایگان را به دقت مورد بررسی قرار داده و نکات مثبت و منفی آنها را با ذکر نمونه مطرح ساخته است. می نویسد هر سه کتاب او: آسیا در برابر غرب (۲۵۲۶، تهران)، انقلاب مذهبی چیست؟ (۱۹۸۲، پاریس) و نگاه زخم خورده (۱۹۸۹، پاریس) تنها به یک موضوع می پردازد: رویارویی کل تمدنهای آسیایی، اسلامی و احیاناً بقیه با تمدن مغرب زمین. محتوای اصلی هر سه کتاب توصیفی ست طولانی از موضع کشورهای آسیایی و غیره، که به نظر شایگان از سوی مجذوب جهان بینی کهن خویش اند و از سوی دیگر مجذوب و احیاناً مقهور تمدن غربی...»

در دو مقاله «پی ریزی نقد نوین در شعر فارسی» و «خانلری به عنوان آموزگار زبان» می نویسد خانلری را می توان به معنای جامع کلمه «ادیب» خواند. از مشرب وسیع او سخن می گوید که تقلید و اقتباس را نه تنها زشت نمی شمرد بلکه آن را اساس می دانست. معیار اصلی خانلری برای ارزیابی آثار هنری نزدیک شدن آنها به کمال و زیبایی ست. او تحمیل معیارهای دیگر را جایز نمی شمرد.

در دو مقاله «تشیع به روایت بیان ریشار» و «تکنیکهای غربی در ایران» نشان داده است که بیان ریشار عضو مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه چگونه نان به نرخ روز می فروشد. می نویسد کتاب «اسلام شیعی» او در حقیقت باز نویسی پر حجم جزوه قبلی اوست با عنوان «شیعه گری در ایران» که به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران،



نام دومی نیز به آن داد (امام و انقلاب). رامین کامران می نویسد کسی که درباره اسلام کتاب می نویسد باید عربی بداند و به متون اصلی مراجعه کند نه آن که کتاب خود را بر مبنای نوشته های دیگران بنویسد. وی می نویسد یاشاریش از همه از علی شریعتی تأثیر پذیرفته و کوشیده است علی رغم صراحت نوشته های شریعتی درباره نبرد طبقاتی، اهمیت اقتصاد، هدف قرار دادن جامعه بی طبقه و... که همه را مستقیماً از نوشته های مارکسیستی عامیانه اخذ کرده است او را از این اتهامات مبرا کند و...

اگر نویسنده کتاب، تاریخ چاپ نخستین هر یک از مقاله ها و نقدها و مصاحبه ها را با ذکر نام نشریاتی که در آنها به چاپ رسیده است، در فهرست مندرجات یا در ذیل مقاله ها ذکر می کرد، البته سودمندتر بود.

